

بنام خداوند بخشنده مهربان



پس بشارت ده بندگان مرا آنان که سخن مر می شنوند بهترینش را پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و خردمندان همانانند.

(سوره زمل آیه ۱۸)

آموزش قلب ها و اندیشه ها

تجارب آموزشی ژاپنی ها در مراکز پیش دبستانی و دبستانی

اثر: دکتر کاترین لوئیس مترجمان حسین افشین منش، شیده ایلگی طاهر

مرکز انتشارات کمبریج

۳۹۵ صفحه ناشر: انتشارات ساز و کار چاپ هشتم ۱۳۹۳

به ژاپن باید به مثابه یک آینه نگریست و نه یک راهکار (مری وایت)

برای شناخت سرزمین خود، باید سرزمین دیگری را شناخت (سیمور مارتین لیپست)

تقدیر و و سپاس

حمد بی نهایت خداوند یگانه بی همتا را که همواره یادش آرامش بخش جان ها و نامش امید آفرین قلب هاست .

این نگاشته را به استاد ارجمند جناب آقای دکتر ابوالفضل بختیاری که همواره راهنمایی های ایشان ره گشا و روشنایی بخش راهم بود ، تقدیم و از ایشان به جهت همه دلسوزی هایشان صمیمانه سپاسگذارم .

باشد که لطف ایزد همیشه شامل حال ایشان و گردش چرخ گردون به کام و مرادشان باشد .

گردآورنده:

اکرم رمضانی نور ، دانشجوی دانشگاه پیام نور تهران جنوب مقطع کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) از استان خراسان جنوبی (بیرجند) ، اردیبهشت ۹۴

فهرست مطالب

۱. خلاصه ای از پیشینه نظام آموزشی ژاپن
۲. تجربه مدرسه پیش دبستانی (بازی، روح گروهی و اندیشیدن)
۳. همه بچه ها به مدرسه ابتدایی می روند
۴. گروه کوچک کلاس (پایگاه خانوادگی بچه ها)
۵. جامعه و مسئولیت
۶. چگونه به ناهنجاری های رفتاری سر و سامان داده می شود؟
۷. یادگیری و مراقبت
۸. چه مدرسه ای موفق است؟
۹. پرسشهایی که برای ما مطرح است. (جمع بندی)
۱۰. بخش ضمیمه (ویژگیهای مراکز پیش دبستانی مورد مطالعه)
۱۱. فرجام
۱۲. منابع

پیشگفتار مترجم

دولت ژاپن بیشترین سهم از تولید ناخالص ملی خود را صرف دوره های آموزشی پیش از دانشگاه به ویژه مقاطع پیش دبستانی و ابتدایی نموده. در نظام آموزش و پرورش ژاپن همه بچه ها نخبه هستند و معلم باید هنر کشف و پرورش را داشته باشد.

«آموزش و پرورش دوره ابتدایی ژاپن، بر اساس طبیعت روانی کودک استوار است و تلاش می کند زندگی شوق انگیزی را برای کودکان فراهم سازد. معلمان اظهار می دارند که کوشش می کنیم به کودکان بیاموزیم که چگونه بیاموزند و از مدرسه و کلاس درس، لذت ببرند. لذت بردن دانش آموز از فرایند یادگیری به اندازه خود یادگیری و نتیجه آن برای ما ارزشمند است. این راهبردها، کودکان را در قالب کلاس محدود نمی کند.»

یکی از اصولی که در مدارس ژاپن روی آن بسیار تاکید می شود، اعتماد به نفس بچه ها و افزایش حس مسئولیت پذیری در آن هاست.

یکی از عوامل توفیق در امر مطالعه آموزش و پرورش ژاپن، همکاری مطلوب افراد مطلع و مرتبط است. مطالعات **دکتر کاترین لوئیس** راجع به دوره های پیش دبستانی، از سال ۱۹۷۹ شروع شد.

فصل اول ۱

آموزش قبل از دبستان ژاپنی ها؛ متفاوت و تا حدودی جامع

در ژاپن تحصیلات اجباری از سن ۶ سالگی شروع می شود، اما بیش از ۹۰ درصد کودکان ژاپنی دوره ی پیش دبستانی را می گذرانند. گروهی از پژوهشگران استدلال می کنند که این دوره، متفاوت ترین بخش در نظام آموزش ژاپنی ها می باشد. والدین شاغل حق انتخاب نوع مرکز پیش دبستانی، اعم از مراکز تمام وقت "هئی کوان" و یا مراکز نیمه وقت "یوچی ان" را برای فرزندانشان را دارند. این مراکز شبیه مهدهای کودک و اماکن نگهداری کودکان در کشورهای غربی است. دبستانها که بر پایه آثار و آرای مونتسوری، دیویی و فروبل برنامه ریزی شده، با مراکز پیش دبستانی که محل تبادل اندیشه های پژوهشگران آموزشی قدیم و جدید ژاپن است، شراکت و همکاری دارند. این مراکز در امر یادگیری از آموزش موسیقی در نخستین سالهای تحصیل تا اجرای نمایش های کاملاً صریح و بی پرده در محیط های باز تاکید دارند. والدین، بیش از ۹۰ درصد کودکان ۴ تا ۵ ساله به طور تقریبی بین ۸۰۰ تا ۱۸۰۰ دلار در سال، برای شهریه، هزینه های جنبی و نیز ناهار مدرسه می پردازند. در ژاپن، آموزش برای کودکان ۵ ساله، بخشی از آموزش در مراکز پیش دبستانی است. ولی در آمریکا بخشی از برنامه مهد کودک مدرسه ابتدایی به شمار می رود. و اصرار بر توسعه مهارت درسی از سن ۵ سالگی در امریکا بیشتر از ژاپن است.

کلاس پر جمعیت

به ازای هر معلم ۳۰ کودک ۳-۵ ساله و در مقطع پیش دبستانی ۴۰ دانش آموز به ازای هر معلم می باشد. ۹۴ درصد مراقبین در مدارس ژاپن، خانمها هستند که حدود نیمی از آنها زیر ۲۷ سال سن دارند.

مقررات و حمایت های عمومی

مقررات دولت ژاپن، تدارک بخشی از امکانات و تسهیلات پایه را جهت تمامی مراکز پیش دبستانی و نیز اماکن نگهداری کودکان، تضمین کرده است. بر اساس این مقررات، مقداری فضا و نیز اندازه زمین بازی برای هر بچه، به علاوه حداقل وسایل بازی و آموزشی، مشخص شده است و علاوه بر این منبع، بسیاری از مراکز شهری و منطقه ای دولت نیز در امر کمک رسانی برای آموزشهای پیش دبستانی نقش دارند.

نظام آموزش ابتدایی در ژاپن

ورزش شنا، بخشی از برنامه تحصیلات ابتدایی در ژاپن است. هنگام پرواز از فراز ژاپن در فصل تابستان، مدارس ابتدایی را از استخر های شنای آن ها، می توان تشخیص داد..

ویلیام کومینگز می گوید: مدارس ابتدایی، گل سرسبد آموزش و پرورش ژاپن هستند.

دولتمردان ژاپنی به دوره آموزش ابتدایی به عنوان محوری سرنوشت ساز در توسعه ملی توجه دارند. آری نری مری معمار مدرنیزه شدن ژاپن در سال ۱۸۸۵ می نویسد: کشور ژاپن باید از مقام سومی، به مقام دومی در جهان برسد و از مرتبه دومی نیز به مقام اول، دست یابد و نهایت هدف نیز باید رهبری کل کشورهای جهان باشد. به همین سبب، بهترین راه برای نیل به آن هدف والا، صرف انرژی ملی برای ایجاد بنیادی مستحکم در آموزش دوره ابتدایی در این کشور است.

۹۹ درصد دانش آموزان دوره ابتدایی در ژاپن، در مدارس ابتدایی دولتی، در محل اقامت خود، درس می خوانند. در این دوره از تحصیلات، آموزش رایگان است و فرزندان تمام ساکنان محل، اجازه ثبت نام را دارند.

حدود ۶۰ درصد از معلمان مدارس ابتدایی ژاپن زن هستند و تنها ۵ درصد مدیران و ۱۳ درصد معاونان را زنان تشکیل می دهند.

دولت تقریباً نیمی از همه هزینه های آموزش عمومی را تامین می کند و بودجه مخصوصی را نیز به مناطق محروم و نیز شهرداری ها اختصاص می دهد تا در تداوم تسهیلات و نیز اجرای برنامه های مشابه با مناطق مرفه، به کار گیرند.

آموزگاران ژاپنی بندرت در یک پایه تحصیلی، چند سال متوالی، تدریس می کنند و می گویند که تدریس در پایه های مختلف تحصیلی، به آموزگاران کمک می کند تا دلمشغولی ها و درگیری های معلم ها و دانش آموزان را در سطوح گوناگون تحصیلی، درک کنند و نیز نسبت به روابط میان مراتب آموزشی، آگاهی پیدا کنند.

دستاوردهای عملی

دانش آموزان ژاپنی، بطور پیوسته در آزمون های بین المللی ریاضیات و علوم، مقام های بالایی، کسب می کنند. در ایالات متحده خلاقیت عامل موفقیت است و در ژاپن پشتکار و استقامت عامل توفیق علمی است.

پائول ترانس با آزمون ها و مشاهده در کلاس های درس، دانش آموزان ژاپنی را امتحان کرده و درباره خلاقیت آنها با شور زیاد ابراز می کند که مربیان مراکز پیش دبستانی در آمریکا می توانند چیز های زیادی از همتایان ژاپنی خود بیاموزند. و دیگر ناظران غربی نیز تحت تاثیر موفقیت های دانش آموزان مقطع ابتدایی ژاپن، در زمینه مطالعات هنر و موسیقی قرار گرفته اند.

کاستی های نظام آموزش ابتدایی ژاپن

ژاپنی ها همانند ناظران خارجی، متوجه بسیاری از نواقص آموزش مقطع ابتدایی خود شده اند. تاکید و اصرار فراوان بر همشکلی و تطبیق پذیری با یکدیگر، موجب عدم توفیق آنها در آمیزش با خارجی ها شده است. ژاپنی هایی که از کشورهای خارجی، باز می گردند، غالبا از ناکامی خود در زمینه آگاهی بین المللی، به عنوان یک مشکل یاد کرده اند.

از آموزش ابتدایی تا آموزش دبیرستان

"محدوده تقریبی آموزش همگانی"

در واقع، همه جوانان ژاپنی، دوره مقدماتی دبیرستان را به پایان می رسانند و ۹۵ درصد از فارغ التحصیلان، به دوره بعدی می روند، ۳ سال بعد ۹۴ درصد کسانی که وارد این دوره شده اند فارغ التحصیل می شوند.

اعتبار بالا و حقوق زیاد برای آموزگاران

آموزگاران ژاپنی، از اعتبار و نفوذ قابل توجهی، برخوردارند. گزارش وزارت آموزش و پرورش آمریکا، حاکی از آن است که بر اساس مطالعاتی که در سال ۱۹۷۵ به دنبال نظرخواهی عمومی از ژاپنی ها، صورت گرفت، مشاغل مدیریتی و معلمی در مقطع ابتدایی، از جهت احترام عمومی، در ردیف های نهم و هجدهم در میان ۸۲ نوع شغل دیگر قرار داشته اند. اعتبار این مدیران، بیش از رؤسای ادارات شرکت های بزرگ، حسابداران دولت و نیز مؤلفان بوده است.

آموزگاران ابتدایی نیز نسبت به کارمندان شرکت های بزرگ، مهندسان مکانیک و نیز رؤسای ادارات شهرداری، از اعتبار بیشتری برخوردار بوده اند. به نظرمی رسد اعتبار نسبتا بالای آموزگاران و حقوق قابل توجه ایشان، رقابت را برای شغل معلمی در ژاپن تشدید کرده است. همچنین افزایش سریع و مستمر حقوق آموزگاران با بالا رفتن سن هماهنگی دارد که باعث دلگرمی اقتصادی برای معلمان شده تا کما کان در این شغل باقی بمانند.

نظارت دولت بر دوره های تحصیلی و کتب درسی

دوره تحصیلات عمومی در ژاپن علاوه بر اهدافی در زمینه کسب مهارت های نوشتن، اهداف مرتبط باعواطف و انگیزه های بچه ها را نیز دنبال می کند.

وزارت آموزش ژاپن، کتاب های درسی را که ناشران خصوصی، به چاپ می رسانند، برای اطمینان از این که مطالب تعیین شده، با شیوه ای مناسب، ارائه شده باشند، بازبینی می کند.

کلاسهای پرجمعیت

کلاسهای ابتدایی در ژاپن، هر چند از نظر استانداردهای بسیاری از ایالت های آمریکا، بزرگ و جا دارند، اما بتدریج، در حال کوچک شدن هستند.

وزارت آموزش ژاپن در سال ۱۹۵۹ ظرفیت کلاس ها را به ۵۰ نفر محدود کرد در اواسط ۱۹۶۰ به ۴۵ نفر در سال ۱۹۹۱ به ۴۰ نفر و میانگین ابعاد واقعی کلاس را به ۲۹ نفر رساند.

اجتناب از گروه بندی علمی دانش آموزان و نیز پیگیری های درسی جداگانه

بخش مطالعات آموزشی آمریکا "در طی سال های آموزش اجباری در مدارس، نظام آموزشی ژاپن، از این که بین دانش آموزان بر اساس توانایی های علمی یا موفقیت هایشان تفاوت هایی قائل شوند، بشدت پرهیز دارند. به همین سبب، از پیگیری های درسی جداگانه با دانش آموزان، گروه بندی بر پایه قابلیت های درسی، اجرای برنامه های تقویتی و یا انتخاب دانش آموزان خاص، خبری نیست." قبولی و صعود از کلاسی به کلاس دیگر به صورت خودکار صورت می گیرد.

نقش اتحادیه آموزگاران

اتحادیه آموزگاران، با وابستگی های فکری و سیاسی اش، از خط مشی «دانش آموز محوری» در آموزش، شدیداً حمایت می کند و مخالف انجام آزمون های پی در پی و نتایج حاصل از آن می باشند.

امتحانات ورودی دانشگاه ها

کتاب راهنمای دوره های پیش دبستانی و آموزش مقدماتی مقطع ابتدایی نمی تواند نسبت به امتحانات ورودی دانشگاه ها بی تفاوت باشد. توماس روهلن این پدیده را «موتور پنهان انرژی زا» در کل نظام تحصیلی ژاپن می نامد.

امتحانات ورودی دانشگاه ها، حساس و سرنوشت ساز است و از دانش آموزان انتظار می رود تا حجم زیادی از اطلاعات را در حافظه داشته باشند و به کارگیرند. امتحانات فشارهایی را به مقاطع پایین تر

تحصیلی نیز وارد می کند. علی رغم توجه همگانی والدین به دوره های برگزیده تحصیلی خاص برای فرزندشان ، ۹۹ درصد دانش آموزان ابتدایی و ۹۵ درصد مقطع مقدماتی دبیرستان ، به مدارس دولتی نواحی خودشان ، وارد می شوند.

فصل دوم ۲

تجربه مدرسه پیش دبستانی

(بازی،روح گروهی،اندیشیدن)

"فعالیت بچه های پیش دبستانی و بازی های آزاد آن ها،باعث نوعی یادگیری می شود که لازمه ی رشد هماهنگ فیزیکی و دماغی آنهاست. در این دوره همه اهداف آموزشی ، به طور کامل حول محور بازی تحقق می یابد". ماده یکم رهنمودهای پیش دبستانی وزارت آموزش ژاپن در مدارس پیش دبستانی ژاپن، زمان طولانی تری را به شلوغی های بچه ها، سر و صدا و نیز بازی آزاد آنها اختصاص می دهند. از جمله فعالیت هایی که همه ی دانش آموزان در آن شرکت می کنند شامل :آواز خواندن ، جمع شدن های روزانه ، خوردن غذاهای نیمروزی می باشد.

برنامه های آموزشی پیش دبستانی:(بازی محوری)

در مطالعه درباره ۱۵ مدرسه پیش دبستانی ، بچه های ۵ ساله ،نیمی از وقت شان را صرف بازی های آزاد و نیمی دیگر از وقت را صرف فعالیت های جمعی کلاس کردند.که منظور از بازی های آزاد آن است که بچه ها در انتخاب آنچه که می خواستند انجام بدهند کاملاً آزاد بودند و به عبارتی معلم ،آن ها را در میان چند فعالیت ، محدود نمی کرد تا دست به انتخاب بزنند.

بازیها بچه ها را برای تحقق دو هدف اساسی آموزش پیش دبستانی ژاپن آماده می کند:

۱.پرورش و رشد ارتباطات بچه ها با یکدیگر

۲. شوق و تحمل برای یک زندگی گروهی

استفاده از بازی آزاد برای ایجاد روح جمعی

بچه ها به صورت طبیعی در حین بازی با یکدیگر آشنا می شوند . آموزگاران ژاپنی مقطع پیش دبستانی ازبازیها و ارتباطات مربوط به آن ، به عنوان چارچوبی برای تشکیل جامعه گسترده ی کلاس استفاده می

کنند. آموزگاران با شیوه های گوناگون در پی آن هستند که از یک بازی محدود به یک بازی خلاق و همه گیر بسازند.

تدابیر دیگر برای ایجاد روح گروهی

کلاس ها با عنوان بخشی از موجودیت یک روح جمعی دارای مراسم و برنامه های متنوع و همه گیر نظیر آواز خواندن ، رقصیدن، احوالپرسی می باشند و آنها برنامه های کوتاه و مختصر و همچنین طولانی و پرشاخ و برگ را اجراء می کردند.

در مدارس، علاوه بر مراسم روزانه و هفتگی، آداب و رسوم نمایشی مدرسه و جشنواره های مدارس پیش دبستانی نیز در طول سال تحصیلی، مشخص می شود که در آن حتی اغلب پدران و مادران هم، به خاطر این مراسم و نمایش ها گردهم می آیند.

نقش بازی آزاد: آموختن این که چگونه میتوان عضو مسئول کلاس شد

بازی آزاد، علاوه بر اینکه بر ایجاد ارتباط میان دانش آموزان در فعالیت های شاد و مشترک شان، زمینه ای برای تحقق دومین هدف ژاپنی ها "آموختن اینکه چگونه میتوان عضو مسئول و مهربان کلاس بود" از زندگی پیش دبستانی فراهم می آورد. حتی آموزگاران ژاپنی این موضوع را به دانش آموزان تفهیم می کنند که مسئولیت حل مشکل، بر عهده ی همه ی کلاس است. آنها به ساختن روح جمعی و مسئولیت پذیری به عنوان اهداف آموزشی مدارس اهمیت می دهند.

در مدارس ژاپن همه کلاس عهده دار حل مشکلات هستند.

در مدارس ژاپن راجع به کارهای روزانه گفتگو می کنند و این موضوع بسیار مورد اقبال دانش آموزان می باشد و نکته مهم در این میان رک گویی در آنهاست.

رهنمودهای دولت برای آموزش پیش دبستانی

وزارت آموزش ژاپن پنج هدف را برای آموزش در مقطع پیش دبستانی تعیین کرده است:

۱. درک نیازهای اولیه در زندگی روزانه و کسب بینش لازم برای یک زندگی توام با شادی، آسودگی و سلامت، همچنین ایجاد شالوده ای برای جسم و اندیشه ای سالم.

۲. پرورش حس محبت و اعتماد به دیگران و تقویت گرایش های مستقل و نیز همکاری و تعاون و همچنین هشیاری اخلاقی

۳. پرورش حس علاقه و توجه به طبیعت و چیزهای اطراف و رشد آگاهی نسبت به ارزش عواطف و اندیشه درباره آن

۴. پرورش علاقه و توجه نسبت به نقش مکالمه و گفت و گو در توسعه روابط و لذت بخش نمودن ارتباطات گفتاری و شنیداری و نیز درک نقش آن ها در ارتباطات.

۵. درک عمیق مفاهیم از طریق کسب تجارب گوناگون در جهت پرورش خلاقیت و شکوفایی استعدادها این هدفها بر پرورش و رشد صفت های عاطفی خاص نظیر دلبستگی و علاقه، توجه و دلمشغولی و همچنین شوق و رغبت تاکید دارد و تنها بر پیروزی و رسیدن به هدف تاکید نمی ورزد.

برداشت ها در برخورد با یکدیگر

بازی های آزاد و آماده سازی برای امتحانات؟

آنگونه که بسیاری از ناظران می گویند ، اگر نظام امتحانات، کودکان را در دوره آموزش قبل از دبستان ، تحت فشار قرار دهد ، به احتمال زیاد، رعایت باید های رفتاری ، بیش از باید های علمی، مورد نظر خواهد بود؛ که به تعبیری، همان خط مشی روشن وزارت آموزش ژاپن است در مقابله با آموزش علمی برای پیش دبستانی ها.

بازی های آزاد در مدراس پیش دبستانی ژاپنی، ابزاری برای ایجاد شور و شوق در کلاس و افزایش میان مشارکت کودکان است و به نظر نمی رسد به طور اتفاقی بکار گرفته شده باشد. آموزگاران به این وسیله به دانش آموزان کمک می کنند خوشی ها و دشواریهای زندگی گروهی را تجربه کنند. و اصرار بر دوستی ، ارتباط و همکاری بچه ها با یکدیگر زمینه ساز جریان علمی خواهد شد.

فصل سوم ۳

همه بچه ها به مدرسه ابتدایی می روند

مقدمه

آموزگاران ژاپنی، به آموزش "همه جانبه فرد" اعتقاد دارند. آنها می اندیشند که مهمترین تکلیفشان رشد همه جانبه و جامع همه افراد جامعه است و نه فقط رشد افراد هوشمند. (ویلیام کومینگز از کتاب آموزش و برابری در ژاپن) "شغل من، خلق خاطره های شاد برای بچه هاست." (یک معلم مدرسه ابتدایی در ژاپن)

توجه مربیان ژاپنی به ابعاد مختلف رشد البته رشد دماغی بچه ها مساله مهمی است ،اما نیاز آنها به دوستی،تجمع کلاسی، ورزش کردن باهمه وجود و عشق به موسیقی و هنر نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اهداف اصلی در طول زندگی مدرسه ای کلاس اولی ها :

دوستی و رفاقت ،پافشاری و سماجت ،تحرك و جوش و خروش ،خودگردانی می باشد.
تحرك بچه ها و جوش و خروش های مهار نشده بچه ها ابزاری برای خود فرمانی و نظم پذیری دانش آموزان ژاپنی است.
ارتباط و پیوند بین دانش آموزان با معلم شان از جمله اصول محوری در آموزش مطلوب ژاپنی هاست .در آموزش آموزگاران جدید ،توانایی برقرای این پیوند در مقایسه با توانایی های علمی از اولویت برخوردار است .آموزگاران ژاپنی علاوه بر رشد عقلانی بر رشد شخصی نیز بسیار تاکید دارند.
تجارب غیر درسی در مدارس ژاپن باعث ایجاد روابط انسانی بین آموزگاران و گردانندگان مدرسه می شود و موجب هماهنگی بیشتر در مدرسه می گردند.
بیشتر پژوهشگران غربی دوره تحصیلات عمومی را در ژاپن عامل موثر در موفقیت کشور ژاپن می دانند .

فصل چهارم ۴

گروه کوچک کلاس

(پایگاه خانوادگی بچه ها)

مایل هستم که گروههای کلاسی مثل اعضای خانواده ها باشند جایی که افراد با هم زندگی می کنند و به فکرهم هستند. (یک معلم ژاپنی پایه اول)

آموزگاران ژاپنی کلاس اول، بدون یاری گرفتن از والدینی که داوطلب کمک می شوند،یک تنه ۳۰تا۴۰دانش آموز را جمع و جور می کنند.آنها درکلاس گروههای کوچک ثابت ایجادمی کنند که این گروهها واحدهای فعالی رابرای اداره و مدیریت کلاس درس تشکیل می دهند و درایجاد یک شالوده عاطفی خانوادگی دربین بچه ها و نیز کمک به آنها درمسائل علمی و نیز رفع نیازهای اجتماعی شان نقش تعیین کننده دارند.

این گروهها به چند معنای مشابه خانواده هاستند: ۱. اعضای آن دامنه وسیعی از فعالیت ها از آموزش ریاضیات تا صرف نهار و تمرینات ورزشی را با هم دنبال می کنند. ۲. گروهها از بچه های متفاوتی تشکیل می شوند و همگروه کردن بچه هایی که بتوانند از نظردرسی و اجتماعی از یکدیگر چیزی یاد بگیرند.

آموزگاران چگونه گروهها را تشکیل می دهند و حفظ می کنند

نمایش های تصویری با هدف رشد اجتماعی و عقلانی کودکان ۵ ساله همه حواس آنها را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

تشکیل گروه ها

معلم پیش دبستانی با توجه به روابط دوستانه بچه ها با هم همچنین توجه به قابلیت های و ویژگیهای کودکان آنها را گروه بندی می کند.

ماندگاری گروه ها برای دوره طولانی

بیشتر پیش دبستانی ها، حداقل به مدت یک سال، در همان گروه خود، باقی می ماند. گروه های کلاس اول، به طور متوسط تا ۲ ماه دوام دارد. بچه هایی که در گروه های ثابت، تربیت شده بودند، همکاری بیشتری از خودشان نشان دادند. مربیان به این نکته پی بردند که بچه هایی که در گروه های ثابت قرار دارند، ظاهراً از یکدیگر چیزهای بیشتری می آموزند و برنامه هایشان را براساس آن چه آموختند، طراحی می کنند.

وظایفی که انجام آن ها به همکاری نیاز دارند

دانش آموزان، به تنهایی در گروه کار نمی کردند، بلکه دسته جمعی، با اعضای گروه، فعالیت می کردند. این همکاری ها گاه خود را در اشکال ساده از قبیل تقسیم رنگ ها برای نقاشی بچه ها، سهیم شدن در استفاده از لوازم درس علوم و یا کمک به هم برای جابجا کردن مکعب های سنگین که یک بچه نمی توانست به تنهایی آن را بلند کند نمایان می کرد. آموزگاران، فعالیت هایی را طراحی می کردند که در جریان آن ها، بچه ها مجبور به همکاری می شدند و حتی وقتی هم بزرگتر می شدند، نیاز به همکاری، به سبب بروز پاره ای از اختلافات، بیش تر و بیش تر می شد. آموزگاران در پاره ای اوقات در پی ایجاد اختلاف و بعضی اوقات نیز جویای همکاری و تعاون بین دانش آموزان می شوند.

اهدافی برای گروه ها

انجام هر کاری به صورت گروهی ، آسان تر است ؛ چراکه هر گروهی می تواند نظم و ترتیبی را به سامان یافتن کار ، منجر می شود، تامین کند.

عضویت در گروه و تعلق خاطر به آن

گروه ها ، موجب ارتباط بچه با یکدیگر می شوند و از این طریق ، راه و رسم تربیتی مدرسه را تجربه می کنند معلم ژاپنی درخصوص عضویت در گروه عنوان می کند که : « حتی بچه هایی که می ترسند در مقابل همه کلاس صحبت کنند ، به خوبی قادرند در یک گروه چهار نفره ، اظهار نظر نمایند»
معلمین ژاپنی ، گروهی را خوب می دانند که اعضای آن با یکدیگر خوب بازی کنند به هم کمک کنند و دارای وحدت ، یکپارچگی و حس تعلق نسبت به همدیگر باشند.
خانم نیشی مورا معتقد است گروه موجب رشد اجتماعی بچه ها در ژاپن شده است و این نگرش را به کودکان می دهد که چگونه اعمالشان بر دیگران اثر می گذارد.

کسب روحیه تعاون و همکاری و تجارب ژاپنی ها در این باره

فعالیت های گروهی دانش آموزان ژاپنی ، بسیاری از خوانندگان را وا می دارد تا راجع به چگونگی یادگیری روحیه تعاون در بین آن ها بیندیشند. این یادگیری یک دستورالعمل کاربردی دارد. در این روش ، بچه ها را وا می دارند تا در گروه ها کوچک و با توانایی های متفاوت، شانه به شانه هم با یکدیگر کار کنند.

آموزش روحیه تعاون در ژاپن تاریخی طولانی دارد و مطالعات اولیه ژاپنی ها پیرامون همکاری به بیش از ۷۵ سال قبل بر می گردد.

روش ژاپنی مرسوم به بازو در مورد یادگیری نحوه تعاون و همکاری ، نام خود را از صدای وزوز گفت و شنود هایی که ضمن کار گروهی به گوش می رسد گرفته است. آموزگاران و دانش آموزان ژاپنی ، به طور روشن ، اهداف اجتماع ، خود را از جمله ایجاد کار گروهی ، کمک به یکدیگر، برقراری دوستی، مسئولیت پذیری و توضیح داده و آن ها را از طریق این روش ها انعکاس می دهند. گروه های کلاس اول به خوبی یاد گرفته اند که قوت های یگدیگر را پیدا کنند.

فراز و نشیب های آموزش گروه ها کوچک

گروه های کوچک دارای نقش محوری در زندگی کلاسی ژاپنی ها هستند که این ممکن است به آن ها در مقایسه با زمانی که بخواهند به صورت فردی کاری را انجام دهند، قدرت تحرک بیشتری بدهند. یک

دانش آموز ژاپنی که تصمیم گرفت در یک کالج آمریکایی و نه ژاپنی ، درس بخواند، علت این انتخاب خود را برای گزارشگر اوکلندتریبون چنین توضیح می داد: « در ژاپن ، ما شبیه یک گروه هستیم و باید به فکر هر کس دیگری هم باشیم ، اما در این جا مجبور نیستم غیر از خودم به فکر کس دیگری باشم»

عضویت دانش آموزان ژاپنی در گروههای کوچک در کلاس باعث شده که معلمان بتوانند به راحتی کلاسها را کنترل و اداره نمایند. فعالیت دسته جمعی و عضویت طولانی در گروهها از مزایای آموزش و پرورش ژاپنی هاست.

به نظر آموزگاران ژاپنی رشد اجتماعی بچه ها ، فرایندی است که نیاز به حمایت دارد هم گروه کردن بچه ها با ویژگی های متناقض باعث به وجود آمدن مجموعه های است که پیشرفت آن ها را در سراسر زندگی ، تضمین می کند.

فصل پنجم ۵

جامعه و مسئولیت

آن ها در آنجا ، آزادی های فراوان دارند ... بچه ها تحت نظام های آشکاری نبودند ، اما به همان اندازه که خوب بودند ، شاد هم بودند. **جان دیویی ۱۹۱۹**، **نظراتی راجع به آموزش ژاپنی ها در مهد کودک و مقطع ابتدایی**

برای آموزگاران ژاپنی ها جای مباحثات است که دانش آموزان بی آن که چیزی به آن ها گفته شود ، وظایف شان را انجام می دهند **شیگه فومی ناگانو (پژوهشگر آموزشی ژاپنی)**

کسانی که از ژاپن دیدن می کنند ، غالبا از آزادی های داده شده به بچه های خردسال حرف می زنند. در حقیقت ، والدین پیگیر هماهنگی و رابطه با بچه هایشان هستند و تدوین مقررات و دستورالعمل هایی برای یک رابطه نزدیک میان والدین و فرزندان که در آن جایی برای اطاعت محض وجود ندارد .

آموزگاران ژاپنی کلاس ها را به طریقی اداره می کنند که موجب تعهد و مسئولیت شخصی بچه ها برای انجام رفتار های خوب در آنها می شود.

اداره و مدیریت کلاس های ژاپنی ها ، همواره آرام و یا بدون گفت و گو نیست ، چرا که آموزگاران همواره مواردی را در آستین دارند که به تعبیر ایشان ، فرصتی ارزشمند برای آموختن است که دعوای و

زد و خورد های بچه ها، پاره ای از وظایف روزانه آن ها که فراموش شده و یا ناکامی هایشان در ساکت کردن بچه ها در کلاس های درس ، از آن جمله است.

چهار بنیانی نظام مند در آموزش و پرورش ژاپن به شرح ذیل است: ۱. نظام چرخش رهبری گروهی ۲. نقش بچه ها در شکل گیری قواعد و معیارها ۳. حضور کمرنگ معلم در شکل اقتدارگرانه خود ۴. اندیشه و تعمق بچه ها روی چگونگی رفتارهای خودشان.

در نظام توبان ، هر بچه ای یک رهبر است

در کلاس های ژاپنی ، رهبر شدن یک حق ویژه نیست که نصیب قلیلی از افراد خوش رفتار شود، بلکه یک مسئولیت و قاعده ای است که شامل همه افراد می شود. در کلیه کلاس های اول و تقریباً همه ی پیش دبستانی ها ، به مبصرهای چرخشی روزانه، که در کار رهبری و اداره کلاس با معلم ها شراکت دارند ، توبان می گویند. عموماً همه بچه ها نیز به نوبه خود ، یک توبان می شوند؛ البته نه بخاطر رفتار خوبشان ، بلکه از آن رو که عضو کلاس هستند. با این حال ، اغلب بچه ها طی مراسم باشکوهی، مبصر می شوند. مبصر ها که معمولاً یک دختر و یک پسر هستند ، به کمک یکدیگر و قبل از آمدن معلم به کلاس ، و نیز پیش از شروع هر درس ، بچه ها را ساکت می کنند. به علاوه ، آن ها غالباً جلسات روزانه را اداره کرده ، به ارزیابی رفتار شاگردان هم می پردازند و در رفع مشاجرات و یا مشکلاتی که معمولاً پیش می آید ، کلاس را سامان می دهند . در حقیقت ، مبصرهای کلاس اول و نه آموزگاران، بسیاری از کار های زندگی کلاسی را انجام می دهند و آموزگاران را آزاد می گذارند تا به وظیفه تدریس خود برسند. بچه ها به نظام توبان علاقه ی آشکاری دارند .

بچه ها به شکل گیری قواعد کلاس در باب خود گردانی، کمک می کنند

توجه اساسی آموزگاران ژاپنی به استقلال و خودکفایی بچه هاست و اینکه چگونه قواعد و ضوابط را بی هیچ تحمیل و زوری به بچه ها عرضه کنند. در جلسات کوتاهی که روزی یکی ، دو بار برگزار می شود و نیز جلسات طولانی تر هفتگی ، بچه ها غالباً از آرزوهایی که برای کلاس خود دارند، صحبت می کنند. این که محیطی دوستانه داشته باشند؛ بچه های شادی باشند؛ رعایت یکدیگر را بکنند ؛ همدیگر را منتظر نگذارند و کار تمیز کردن را به گردن دیگری نیندازند.

آن ها راجع به به مشکلات و مسائلی که از طرف شاگردان و معلم مطرح می شود، گفت و گو می کنند و نظرات خود را نیز در این گونه موارد ، بدون ذکر نام ، به صندوق پیشنهاد ها می اندازند . در تحقیق تقابل های فرهنگی که به دست ماسامی کاجی تا و همکارانش انجام گرفت آموزگاران مقطع ابتدایی در ژاپن در مقایسه با همتایان استرالیایی خو به ویژه از نظر دادن نقش به دانش آموزان در تدوین قوانین کلاسی و نیز خودفرمانی بچه ها، شاخص تر بودند .

نیمرخ کمرنگ آموزگاران در نقش مدیر

جک و الیزابت ایسلی راجع به آموزش ریاضیات در یک مدرسه ابتدایی ژاپنی مطالعه می کردند، به جنبه های کاملاً شگفت آوری در این مورد و نیز در رفتار با بچه ها ، برخورد کردند: «در مدرسه کیتامانو ، از همان ابتدا متوجه شدیم که به بچه ها مسئولیت های بزرگتری واگذار می شود .

بچه ها در مدرسه ، بیش از نیم ساعت از طرف معلم یا هر فرد دیگری که به طور رسمی ، مسئول آن هاست ، تنها گذاشته می شوند تا خودشان به حل و بحث مسائل ریاضی شان بپردازند. بعد از این مدت معلم وارد کلاس می شود و درس را آغاز می کند. در زمانی که معلمی ، غیبت می کند، آموزگاران دیگر یا معاون و یا مدیر مدرسه، گهگاه سری به کلاس می زنند و به بچه ها، تکلیف می دهند، زیرا آموزگار جایگزین وجود ندارند... بچه ای که در کلاس بی نظمی می کند ، به ندرت برای تنبیه خاصی به دفتر مدرسه فرستاده نمی شود؛ زیرا آموزگار، اغلب منتظر می ماند تا او به این بی نظمی ، خاتمه دهد. در حقیقت ، با بچه ها ، مشابه بزرگتر ها رفتار می شود .

روش آزاد گذاشتن بچه ها و رعایت مسائل ایمنی ، اغلب در مراکز مختلف با هم متفاوت است .

پرسش و توضیح ، نه دستور

آموزگاران ژاپنی در مواجهه با دانش آموزان روش سهل گیرانه دارند و در صورت مشاهده رفتار ناخوشایند بیش از آنکه آنها را منع کنند یا دستوری بدهند از علت رفتارشان سوال می کنند. آنچه می توان در انتهای این فصل نتیجه گرفت این است که رفتار خوب بچه های ژاپنی به خاطر جایزه و تنبیهات مدرسه نیست بلکه آنها ذاتاً به مقررات و ارزشهای مدرسه توجه دارند و به آن اهمیت می دهند .

فصل ششم ۶

چگونه به ناهنجاریهای رفتاری ، سر و سامان داده می شود

تنبيه به صورت جريمه كردن ، محروم كردن ، دست انداختن و يا برخورد های فیزیکی ، هرگز به اجرا در نمی آید . آموزگاران سعی می کردند تا مشکلاتی را که با کودکان خاصی داشتند ، با کمک و مشورت یکدیگر حل کنند . در حالی که در آمریکا ، همتایان ایشان ، با این قبیل جریانات برخورد انضباطی می کردند .

جک و الیزابت ایسلی

در این فصل به ۴ویژگی در نظام تعلیم و تربیت مدارس پیش دبستانی و ابتدایی ژاپن مورد بررسی قرار گرفته ، ابتدا شاگردان در نقش همتایانی برای آموزگاران ، به طور وسیعی درگیر سرو سامان دادن به ناهنجاری های رفتاری همکلاسیهای خود می شوند و این در حالی است که حضور آمرانه معلم به چشم نمی آید.

در مرحله بعد آموزگاران به توجیه انگیزه های مثبت برای عملکرد بچه ها ، مانع از سر زبان افتادن اسم بچه ها به عنوان «بچه های بد» می شوند در قسمت سوم آموزگاران بیشتر به فهم و درک بچه ها از عملی که مرتکب می شوند توجه دارند نه به اطاعت بی چون و چرا آن ها به عنوان یک هدف بازدارنده، در همه مراحل آموزگاران تمایل دارند ناهنجاری های رفتاری را به عنوان یک زایده نامناسب ، در مجموعه برنامه های بلند مدت انضباطی و اجتماعی مدرسه به حساب آورد . برنامه هایی که باعث همبستگی بیشتر با همکلاسی ها و معلم می شود.

نقش بچه ها در برقراری نظم

آموزگاران در مقطع پیش دبستانی و ابتدایی ، اغلب شاگردان را تشویق می کنند تا مراقب رفتار یکدیگر باشند و به رفتارشان نیز فکر کنند. معلمین سوء رفتارهای فردی را به مسئله ای تبدیل می کنند که همه بچه ها در حل آن باید مشارکت کنند.

آموزگاران اغلب عدم وجود درگیریهای فراوان بین بچه ها را به عنوان یک مشکل تلقی می کنند. چرا که خود طرح هایی می ریزند تا بچه ها بیشتر با هم دعوا کنند. از نظر بعضی از معلمین ژاپنی دعوا کردن به معنی به رسمیت شناختن وجود دیگران است و به تعبیری مفهوم برابر بودن را می رساند .

آموزگاران سعی دارند تا توانایی بچه ها را برای خاتمه دادن به درگیری ها ، مورد ارزیابی قرار داده ،ایشان را در آن جهت ، ترغیب نمایند. از نظر ایشان ،جنگیدن و دعوا کردن ، یک مشکل شخصی نیست ، بلکه مشکل یک کلاس و به عبارتی یک موقعیت است . تحمل دعوا از سوی آموزگاران ، به این معنا نیست که ایشان موافق آن هستند ،بلکه با تمام وجود معتقدند که بچه ها می توانند و باید بیاموزند که درگیری های یکدیگر را مهار کنند.البته معلمین این ناهنجاریها را نادیده نگرفته و در جلسه پایانی هر روز همراه با بچه ها به تبادل نظر می پردازند.

در مدارس ژاپن تاکید بر ارزشهای چون دوستی و مهربانی است و سعی می شود از برخوردهای شدید ،پرهیز شود.

پیشتهبانی از هویت « بچه خوب»

این باور که اصولا بچه ها از نظر ذاتی خوب هستند ، در تاریخ آموزش های قدیم و نیز معاصر ژاپن و در نظریه های رشد کودکان ژاپنی ، همواره حمایت شده است.تحقیقات انجام شده در آمریکا حاکی از آن است که وقتی بزرگ ترها ،سوء رفتار بچه ها را به صورت رفتاری با نیت خیر ،تعبیر می کنند خود به خود به ایشان کمک می کنند تا ویژگی های مثبت را در خود ،رشد دهند وقتی بزرگترها به احساس ناخوشایندی بچه ها در اثر انجام دادن کارخطا اهمیت بدهند بچه ها نسبت به انجام آن کاراحساس مسئولیت بیشتری خواهند کرد.همچنین علی رغم آسیب پذیر بودن بچه ها قضاوت بزرگترها در مورد بچه ها باعث به وجود آمدن ارزشهای اخلاقی در آنان می شود.

هدف از نظم ، نه اطاعت محض که فهم و درک است

فهم عملی از قانون که بی هیچ و زور یا فشاری از طرف بزرگترها ، به صورت تقویت رفتار صحیح در بچه هاست ،سبب تلاش ها افراد در برقراری نظم وترتیب شده ، نه اطاعت کورکورانه و آنچه مهم است فهم و درک بچه هاست. معلمین ژاپنی معتقدند بچه ها در حال توسعه درک شان از قواعد پیرامون خود هستند و لذا تخطی آن ها از قانون نه دلیلی برای تنبیه ایشان ،که فرصتی برای درک عمیق تر آن ها از قوانین و قواعد است .

ناهنجاری های رفتاری ، مفاهیم و اشاراتی برای جامعه کلاسی

آنچه توجه آموزگاران را جلب و ایشان را علاقمند می کرد نه ناهنجاریهای رفتاری،بلکه پیوندهای بچه ها با معلم و نیز بچه های دیگر بود.

معلم ها اغلب محک هایی را که برای ارزیابی میزان نظم پذیری بچه ها بکار می برند که بر ایجاد توازن بین «احساس نیاز به وجود نظم» و «احساس نیاز به حفظ پیوند با بچه ها» تکیه دارد. به همین دلیل، حتی در زمانی که بچه ها سرزنش می کنند اغلب سعی دارند تا به آنان کمک نمایند و از رو در رو شدن آنها با همکلاسی هایشان، جلوگیری شود.

کنترل ناهنجاری رفتاری با توسل به احساسات

آموزگاران ژاپنی، با جلب احساسات و عواطف، نظم را برقرار می کنند. آنها با شاگردان خود، گفتمان هایی را تربیت می دهند که عواطف و احساسات شاگردان را برانگیزند. در نظام تربیتی ژاپن توجه بیش از حدی به ایجاد ارتباطات قوی بین معلم و شاگرد یا بچه ها با یکدیگر می شود.

معلمین ژاپنی نظم و ترتیب را به عنوان راهکاری برای برقراری توازن می شناسند و موجب تقویت پیوندهای کودک با معلم و سایر بچه ها شوند و در همان حال نیز نظم و ترتیب را در محیط درسی پایدار کنند.

بیش از نیمی از واکنش های انضباطی مادران ژاپنی، با تحریک عواطف و احساسات بچه ها به جواب می رسند. در حالتی مشابه مادران آمریکایی بر خلاف مادران ژاپنی عمل می کنند و بیشتر از قدرتشان استفاده می کنند و به امر و نهی می پردازند.

شرمنده کردن بچه ها و تهدیدات جدی آنها به اخراج از کلاس در مدارس ژاپنی کم دیده می شود. و نظم و ترتیب شدیداً با روشهای رفتاری نظیر امر و نهی های قاطعانه و ضربتی که در مدارس آمریکایی دیده می شود کاملاً در تضاد است.

در مدارس ژاپن، بچه ها اغلب، کارهایشان را خودشان ارزیابی می کردند و از طرف آموزگاران، جریمه یا جایزه ای به آن ها تعلق نمی گرفت.

توماس روهلن معتقد است که نظام های جایزه و تنبیه، تنها به عنوان آخرین راه حل، کارایی دارند. مرحله ای که اعتماد در طرفین از بین رفته و مبنای دیگری برای تحریک و برانگیختن رفتارها وجود ندارد.

مقوله نظم و ترتیب ، یک چشم انداز طولانی و بلند مدت تربیتی

بچه ها با رفتارهای ناهنجار که اغلب شهرتشان به خرابکاری ، قبل از خودشان به مدرسه می رسد معمولا در کلاس با تجربه ترین و خوش برخوردترین آموزگاران قرار داده می شدند که این خود نشانه توفیق آن معلم ، نه ناکامی اش به حساب می آید.

برقراری نظم از طریق دانش آموزان ، و نه آموزگاران و تفاوت های این دو روش

بچه های ژاپنی در اداره بسیاری از امور کلاس ، نه معلمان شان ، که همکلاسی ه ای خود را دست اندر کار می بینند. آن ها بچه ها را جمع و جور و ساکت می کنند. ظرف های ناهار را بازبینی می نمایند و تصمیم می گیرند که چه کسی را برای آوردن غذا در زنگ تفریح ، بیرون بفرستند. آن ها جلسات کلاس را اداره کرده و حتی درگیری های بچه را نیز فیصله می دهند.

بچه های ژاپنی سعی می کنند تا نسبت به بزرگترها مثبت فکر کنند و نظرشان را نسبت به خود جلب نمایند.

انتقاد از سوی همکلاسی ها در مقایسه با نقدی که ممکن است بزرگترها از بچه ها بکنند ، تهدید کمتری نسبت به شخصیت آن ها به عنوان «بچه خوب» محسوب می شود. هر چند انتقاد بچه ها از یکدیگر ، در مواقعی ممکن است سخت و شدید هم باشد ، با این حال تصور شخصی ایشان از خودشان به عنوان یک بچه خوب تا حدود زیادی به نظر بزرگترها در مورد آن ها بستگی دارد.

چهره پنهان نظارت همکلاسی ها

بچه های ژاپنی ، همکلاسی های خود را ساکت کرده و رفتار آن ها را مورد ارزیابی قرار می دهند و حتی در دعوای ایشان نیز مداخله می کنند و این امر باعث می شود مهارتهایشان در حل مشکلات و نیز احساس مسئولیت آنها نسبت به دیگران ، رشد می کند

در نظام آموزش ابتدایی ژاپن ، راهکار های بسیار پر جاذبه برای درگیر شدن دانش آموزان در اداره امور کلاس ها وجود دارد؛ اداره جلسات کلاسی شاگردان ، نقش آن ها در حل مشکلات انضباطی یکدیگر و بالاخره نقش مدیریت ایشان در آرام کردن و ساماندهی کلاس. میزان اندک مشکلات رفتاری بچه های ژاپنی ، حاکی از قابلیت و کارایی این گونه روش ها در مدارس ژاپنی هاست.

فشار برای تطبیق پذیری و تبعیت

دستورالعملهای فهرست شده درمورد رفتارچه ها درسالهای ابتدایی ممکن است آنها را درسالهای بعد عادت دهد که فقط مقررات را بپذیرند.همان مقرراتی که از نظر آمریکایی ها صورت اختیاری دارد.این روش اگرچه ممکن است شاگردان یا کارکنانی مطیع و سر به راه تربیت کند اما درایشان رفتاری مستقل و اندیشمندانه را پرورش نخواهد داد. آنچه در کلاس های ژاپن مورد توجه است تضاد بین محتوا و فرایند است در این رابطه محتوای مقررات اغلب بی اهمیت به نظر می رسد و لی در امریکا با شرایطی متضاد با ژاپن روبه رو هستیم و بیشتر تلاش بر درکی از قوانین است و بیش از محتوای آن دقت نظر دارند.

تفاوت میان آموزگاران ژاپنی

آموزگاران ژاپنی در مقطع پیش دبستانی و ابتدایی ،اغلب،سطحی از شلوغی و هرج و مرج را که طبق استانداردهای آمریکایی ها،بسیار عجیب به نظر می رسد تحمل می کنند مطالعات انجام شده توسط ژوزف توبین و همکارانش در مقطع پیش دبستانی ، که بینندگان آمریکایی از طریق نوار ویدئو تماشا می کردند ، مدارس درهم ریخته، غیر قابل کنترل ، بی نظم و بدون تشکیلات را نشان می داد ؛برداشتی بدون حضور ناظران ژاپنی! یک مطالعه تطبیقی دیگر که درباره مراکز نگهداری بچه ها در ژاپن و آمریکا انجام شده ، مدرسه ژاپنی را با «هرج و مرج سازمان یافته » توصیف می کند.

نظم و ترتیب در مدارس ژاپنی: آموزش یا فرهنگ

«عشق به فعالیت های آموزشی ،نیروی حرکت را می آفریندبه عامل هدایت، نشاط و زندگی می بخشد که همین نیز نخستین نوع عشق است ...عشق یک انسان معمولی که در تجلی های گوناگون حیاتش نیز حس شود .همان عشقی که معلم همواره در قلب خود دارد و ترنم رشد شاگرد نوآموز و بی تجربه خود را با گوش جان می شنود.دومین نوع عشق عشق هشیارانه است که بواسطه آن ،معلم در شاگرد خود استعداد یک انسان کامل را می یابد و از صمیم دل برای تحقق آن تلاش می کند .»

گزارشهای مرتبط به تربیت بچه ها در ژاپن، با سابقه تاریخی و معاصر خود،اعتقاد به خوبی ذاتی بچه ها دارد و بیشتر برهماهنگ بودن ایشان و نه اطاعت محض آنها اصرار دارد.

گزارش های مرتبط با آموزش کودکان ، با قدمتی نزدیک به ۳۵۰ سال ، که به دست سه محقق غربی ساکن ژاپن تهیه شده ، نمایانگر تداومی منطقی در جریان آموزش ژاپنی هاست.

«آن ها بچه هایشان را در آرامش و با توجه کامل ، پرورش می دهند. حتی اگر کودکی در تمام طول شب ، جیغ و داد راه بیندازد و گریه کند،او را تنبیه بدنی نخواهند کرد.آن ها با صبر و ملایمت به بچه کمک

می کنند تا خودش متوجه مشکل خود بشود و آن را در ک کند. چرا که ایشان نسبت به تنبیه و انتقاد ، نظر خوشی ندارند» به اعتقاد آنها ،بچه ها هنوز به درک واقعی نرسیده ،و با بالا رفتن سن و کسب تجربه ،فهم او نیز کامل خواهد شد .به همین سبب ،تا آن زمان باید با صبر و تحمل ،به تربیت کودک ادامه داد و او را راهنمایی کرد. **فرانسیس کارون، ۱۶۴۵**

فصل هفتم ۷

یادگیری و مراقبت

کلاس درس مکانی است برای اشتباه کردن

در روزگاری که تشکیلات سنتی و کهن ،حضور مراقبتی خود را از دست داده اند مدارس باید به مکانهایی تبدیل شوند که در آن آموزگاران و شاگردان با هم زندگی کنند و با یگدیگر به گفتگو بنشینند و از بودن با هم لذت ببرند وقتی مدارس روی موضوعاتی که در زندگی اهمیت دارد تکیه کنند اهداف معرفتی ،که ما اکنون این قدر سخت و جانکاه دنبال شان هستیم ،به گونه ای طبیعی تر ،تحقق خواهد یافت .

نل ندینگز، محقق تعلیم و تربیت

نویسنده در کلاس سال های اول ابتدایی با ۴ خصیصه برخورد می نماید : ۱. مشارکت تمامی بچه ها که موتور حرکت تعلیم و تربیت ژاپنی هست . ۲. یادگیری در کلاس بر اساس مشارکت است ۳. مقوله یادگیری به فرایند خود و آنچه به دست می آید اصرار دارد . ۴. یادگیری عملی فکری است که در شخص تولید فکر و اندیشه می کند.

مشارکت دانش آموزان در یادگیری

مطالعات وسیع موردی و نیز ریشه ای حاکی از این است که تعلیم و تربیت در دوره ابتدایی ، بر مشارکت فعال دانش آموزان در جریان یادگیری تاکید دارد و بر حفظ کردن مطالب بهایی نمی دهند .

معلمین در مدارس ژاپنی سعی دارند بچه ها را در مباحث و گفتگو های سازنده و ثمر بخش درگیر و مشارکت دهند و این امر باعث مشارکت فعال بچه ها می گردد. معلم، بیش تر در نقش راهنمایی مطلع و آگاه است و از این رو که در توزیع اطلاعات و نیز تعیین کننده درستی یا نادرستی پاسخ های بچه ها پیشقدم باشد، اجتناب می کند . درس ها از بر کردنی نیستند و آن ها را با تمرینات و مشق های زیاد حجیم نمی کنند .آموزگاران ، وقت بچه ها را با سخنرانی های طولانی نمی گیرند، بلکه سعی می کنند بچه ها را در مباحث و گفت و گوهای سازنده و ثمر بخش درگیر کنند.

تاکید معلمین بر ارزش قائل شدن بر یادگیری و نیز اهداف کلاسی از قبیل دوستی و مهربانی و یابوری، به نظر می رسد تاثیر فزایندهای بر روش یادگیری دانش آموزان ژاپن داشته باشد.

تاکید بر فرایند کار

پشتکار و انجام وظیفه، با توجه به جزئیات و دقایق کار، اغلب با اقبال مواجه می شود، و انجام کار با دستپاچگی و شلختگی، اغلب مورد انتقاد قرار می گیرد در ژاپن به پشتکار و مشارکت بچه ها بهای فراوانی می دهند.

هدف کلاسهای ژاپنی تنها کسب پاسخ صحیح نیست بلکه دستیابی به این احساس است که در جریان یادگیری، عوامل معینی شانه به شانه و با صمیمیت، دلمشغول آموزش آن شخص هستند. حال این تلاشها به نتیجه دلخواه برسد یا نرسد.

رابرت هرس و هیروشی آزوما روش آموزش ژاپنی ها را محققانه و کند و روش آموزش آمریکایی ها را سطحی و تند توصیف می کنند.

در باور ژاپنی ها، توجه به درک و فهم بچه ها، با نظریه تفهیم نظم و ترتیب در بلند مدت، مشابهت هایی دارد و این آمار نتایجی نیز به دنبال می آورد.

اشتباه کردن ها، سهمی طبیعی در یادگیری

طرز برخورد در مدارس ژاپن تاکید بر این دارد که: «حمایت کن، اما راهنمایی نکن و انجام کارها را به کس دیگری عهده دار انجامش است، به دست مگیر.» در مدارس ژاپن از بچه ها انتظار می رود تا از اشتباهات شان درس بگیرند. جک والیزابت ایسلی، به اهمیت اشتباه کردن در آموزش ریاضی اذعان داشته اند: بچه ها در مدارس ژاپنی، در برابر اشتباهات جدی که در ریاضیات می کنند، کمتر از کمک های فکری آموزگاران خود بهره می برند.

اجتماعی از نو آموزان

درس ها، زمینه های مبارزه و بحث و جدل بودند و واضح است که اشتباهاتشان بخشی غیر قابل اجتناب در روند یادگیری ایشان است. نقش فعال دانش آموزان در راهبری فعالیت های علمی، اغلب به همان برجستگی نقش فعال ایشان در برقراری نظم و ترتیب بود در برنامه های کلاسی در مدارس ژاپن به نقش شاگردان در آموزش یگدیگر، بها می دهند.

ارزش های کلاس ، بر محور دوستی ، همکاری و پشتکار استوار بود و همین ها ، موفقیت را برای تمام بچه ها قابل حصول می کرد.

اندیشیدن و ارزیابی

در مدارس ژاپن تلاش برای توسعه و پیشرفت بچه ها و تقویت مهارت های عملی ایشان ، اندیشیدن جایگاه ویژه ای دارد. **تفکر بخشی از روند یادگیری است.**

انعطاف و تحمل تنوع و تفاوتها

اصلاحات اخیر آموزشی در ژاپن ، پیرامون ضرورت رو به رشد استقلال فردی ، و نیز جهانی شدن ، در ساختار تربیتی آن تاثیر داشته است. ۶۲۷ ساعت از برنامه آموزشی به مباحث مطالعات اجتماعی و سالهای نخستین رشد و همچنین سازکار زندگی روزانه ، اختصاص یافته است که از سال اول ابتدایی تا ششم ، به تقریب و به طور انحصاری بر احوالات مدرسه ، اجتماع مناطق و کشور تمرکز یافته و در عین حال ، توجهاتی هم به سازمان های فرهنگی ، ورزشی و جمعیت های طرفدار صلح بین الملل شده است . در یک مطالعه تطبیقی میان پیش دبستانی های آمریکایی و ژاپنی ، در می یابیم که مربیان ژاپنی به فراگیر شدن صحیح عواطف و احساسات و بیان تایید شده آن اصرار دارند حال آنکه امریکایی نه بر همگانی شدن که به ابراز عواطف به طور فردی توجه دارند .

در مدارس ژاپن دانش آموزان مشارکت فعال دارند ، به حفظ مطالب اهمیت نمی دهند و در جریان یادگیری نیز منفعل عمل نمی کنند. آنچه در مدارس ژاپن اهمیت دارد کار گروهی و مشارکت بین دانش آموزان است .

فصل هشتم ۸

چه مدرسه ای موفق است؟

هر چه مدرسه به دانش آموزان خود بیشتر اهمیت دهد ، آن ها نیز به دروس مدرسه بیشتر اهمیت می دهند. **توماس سر جیوانی ، معلم اخلاق**

بچه های ژاپنی درسی را برای همه عمر می آموزند که اساس و زیر بنای کارایی و موفقیت ژاپن امروز است : این که هر فرد ، دارای نقشی است و تا جایی که می توان باید آن را به خوبی انجام دهد. **دبورا فالوز**

در مدارس ژاپن به شکل برنامه ریزی شده یا خودبخود، موجب پیشرفت اجتماعی و اخلاقی بچه ها می شوند. آنها می توانند با دادن جایزه یا تنبیه و توسل به هر عمل صحیحی، بچه ها را انگیزه مند کنند.

آیا مدارس ژاپنی پیشرفت اجتماعی و اخلاقی بچه ها را تقویت می کنند؟

مدارس ژاپنی را اغلب به خاطر موفقیت های علمی شان ستایش می کنند .

علائم بچگی و جوانی در اثر رشد نابهنجار اخلاقی و اجتماعی نظیر بزهکاری، ترک تحصیل و ناهنجاری رفتاری، اصولاً در ژاپن، در مقایسه با سایر کشورها کمتر دیده می شود . مطالعات آمریکایی ها راجع به آموزش در کشور ژاپن، به این نکته اشاره دارد که «در میان ژاپنی ها، در مقایسه با سایر ملت های صنعتی نظیر آمریکا، تخلف و بزهکاری کم تر پیش می آید».

مشکلات مربوط به مدرسه

مربیان ژاپنی و نیز مردم آن کشور، عمیقاً درمورد مشکلات دانش آموزان مدارس ابتدایی و سال های اول دبیرستان نظیر زورگویی و ارباب یکدیگر، پس زدن مدرسه و گریز از آن، خشونت و نیز عقب افتادگی های تحصیلی، نگران هستند. استنباز عموم مردم، به وجود ارتباز میان این مشکلات با فشار حاصل از نظام امتحانات در مدارس اشاره شده است .

در کشور ژاپن، بسیاری از شاگردان گریز پای مدرسه، به مراکز مشاوره خاص می روند که در آن جا تا حد ممکن، درس شان را نیز ادامه بدهند. تحقیقات انجام شده در مورد انواع و درصد جریاناتی که به پدیده گریز از مدرسه در ژاپن، شتاب می دهد، عبارت است از مشکلات و درگیری با همکلاسی ها، آموزگاران و کادر مدرسه : ۳۷ درصد؛ مشکلات شخصی نظیر بیماری : ۲۶ درصد؛ مسائل خانوادگی، دعوای و تغییری ناگهانی در اوضاع خانواده : ۲۶ درصد.

خشونت در مدارس

کنت اسکول لند در کتابش به نام روح شوگون، چند حادثه وحشتناک از ارباب و زورگویی در مدارس راهنمایی و دبیرستانهای ژاپن شرح می دهد. مشکلی که موجب نگرانی شدید مردم شد و دخالت شان را در امور مدارس در نیمه دهه ۱۹۸۰ فراهم آورد.

نمودارهای سال ۱۹۹۱، برای هر ۲ مدرسه ابتدایی ژاپن، کم تر از یک حادثه و برای هر مدرسه راهنمایی ۱/۲ حادثه را نشان می دهد. گزارش های مربوط به زورگویی و قلدری بچه ها از نیمه دهه

۱۹۸۰ ، هنگامی که آمارهای رسمی تهیه می شدند ، به شدت کاهش یافته که این حالت را در پاره ای اوقات ، به افزایش آگاهی و دخالت مربیان ژاپنی نسبت می دهند.

ناهنجاری های خود آزاری و بزهکاری

رسانه ها گروهی در ژاپن ، حجم زیادی از خودکشی ها در میان جوانان ژاپنی را که ریشه در نظام امتحانات نهایی دانش آموزان دارد ، گزارش کرده اند . آخرین مقایسه های جهانی ، حاکی از آن است که میزان خودکشی در میان جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله آمریکایی ، تقریباً ۳ برابر جوانان ژاپنی است . بررسی و مطالعات انجام شده بر روی ۳ هزار دانش آموز دبیرستان های ژاپن ، حاکی از آن است که آن ها نسبت به هم تایان آمریکایی و چینی خود ، کم تر احساسی از فشار ، استرس ، نگرانی علمی ، افسردگی و پر خاشگری دارند.

دلبستگی به مدرسه

حجم اندک مشکلات گوناگون جوانان ژاپنی را نباید به نظام تعلیم و تربیت آن کشور ، نسبت داد و شاید بتوان آن را به نفوذ خانواده و یا ویژگی های دیگر جامعه ، مربوط دانست . بیش از ۸۰ درصد دانش آموزان در سالهای پنجم و ششم دبستان از امورات خود ، به نسبت راضی هستند بیش از ۸۵ درصد از دانش آموزان سال های چهارم تا ششم خود را خوشحال و شاد توصیف کرده اند . هارولد استیونسون و جیمیز استیگر در مطالعات و بررسی های خود در مورد دانش آموزان چینی ، ژاپنی و آمریکایی ، متوجه شدند که شاگردان مدارس ابتدایی در منطقه آسیا ، از هم تایان آمریکایی خود به مدرسه علاقه مند تر هستند.

مطالعات اینه کو تسوچیدا ، در مورد شاگردان کلاس های چهارم ژاپنی و آمریکایی نیز حاکی از آن است که شاگردان ژاپنی ، علاقه بیش تری به مدرسه دارند.

بر آوردن نیازهای بچه ها ، کلید موفقیت آموزشی

به نظر می رسد که ۳ نیاز اساسی روان شناختی بچه ها که عبارت است از ۱- تعلق خاطر : که نیاز به داشتن روابط نزدیک و حمایتگرانه را در بر می گیرد.

۲- حس استقلال و آزادی عمل : که نیاز کودک به داشتن نوعی احساس کنترل بر محیط اطرافش و نیز آزاد بودن از محدودیت های مستبدانه و غیر ضروری را مورد توجه دارد در مدارس ژاپن ، به جای ارزیابی

شدن از طریق معلم، به ارزیابی خود، و به جای کنترل به دست شخص بزرگتر بر «خود کنترلی» تاکید دارند.

۳- احساس شایستگی و کفایت که نیاز کودک به دنبال کردن فعالیت هایی که خودش مفید و ارزنده تشخیص می دهد اشاره دارد.

دامنه تحصیلات ژاپنی ها و تاکید آن ها بر کوشش و مشارکت جمعی و نه رقابت، بعدها احتمال آنکه تمام بچه ها را و نه فقط چند تن را که از نظر علمی توانا هستند، به شناخت قابلیت های خود برانگیزد و آن ها خویشتن را عضوی ارزشمند از جامعه مدرسه به حساب آورند، افزایش می دهد. کلاس های پیش دبستانی و سالهای مقدماتی ابتدایی در ژاپن، دارای ویژگی های فراوانی است که به آنها کمک می کند تا به طور موثر، نیازهای اساسی بچه ها را به داشتن آزادی عمل، تعلق خاطر و حس توانایی و کفایت، برآورده نماید.

دستاوردهای آمریکایی ها، طرح پیشرفت بچه ها

در یک مدرسه ابتدایی در کالیفرنیا، مسئولین کودکان در صدد ایجاد اکواریم شدند این کلایس درسی در حقیقت تلاشی برای تغییر نگرش آموزشی بود که از سوی آموزگاران توسعه یافته بود که هدف از اجرای این طرح، کمک به دانش آموزان بود تا به نوآموزانی شایسته و انسانهایی خوب تبدیل شوند. شاه بیت اصلی طرح پیشرفت دانش آموزان، تلاشی است تا مدرسه را به صورت جامعه ای که به نوآموزان اهمیت می دهد در آورد. جامعه ای که در آن:

۱- تمامی اعضاء سهیم اند و حضوری ارزشمند دارند.

۲- تعهد و مسئولیت شخصی، ایشان را وادار می کند تا افرادی با ملاحظه باشند و نه این که به خاطر جایزه یا ترس از تنبیه، مراقب رفتار خود باشند.

۳- دوره های تحصیلی برای بچه ها، دلپذیر و پرمعنا باشند.

قید و بند های اجرایی آرای ژاپنی ها در نظام آموزشی آمریکایی ها:

بچه های ژاپنی در محیطی زندگی می کنند که یک محقق آمریکایی آن را «دنیای ممتاز و بی نظیر بچه ها» نامیده است. با در نظر گرفتن کلیه شاخص های معمول در رشد کودکان نظیر مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه، سوء استفاده از کودکان، ثبات خانواده ها، مصرف بی رویه دارو از سوی والدین و بالاخره فقر

اقتصادی، بچه های ژاپنی حتی در مقایسه با بچه های ملل پیشرفته صنعتی نیز فوق العاده خوش شانس و خوشبخت هستند.

جیمز کامر، روان شناس برجسته می نویسد: «تا زمانی که مسائل اجتماعی و رشد اساسی کودکان، مورد توجه قرار نگیرد، کلیه تلاش ها و هزینه هایی که صرف اصلاح آموزش می شود، تنها بهره ای محدود خواهد داشت؛ به ویژه برای بچه های اقلیت فقیر، و این در حالی است که اغلب آموزگاران و مدیران نیز برای سازمان دادن و اداره مدارس به طریقی که پیشرفت کلی بچه ها حمایت کند، آموزش ندیده اند».

برنامه آموزشی

ژاپن دارای یک برنامه آموزش عمومی با متون کنترل شده و کتب معین درسی است. به این معنا که دروسی با متن یکسان در سراسر ژاپن به بچه ها آموخته می شود. در کتب راهنمای آموزگاران، بچه ها اغلب به طرف مشکل هدایت می شوند و رفتار آموزگاران با آن ها، به عنوان شرکت کنندگانی فعال و صاحب فکر، توصیف شده است که آرای آنها دروس را پیش می برد. این وصف مورد حمایت معلم ها نیز هست. قوت برنامه های درسی ژاپنی ها، توجه به موضوعاتی از زندگی روزانه بچه هاست. طرح درس ها، معمولاً به فکر و اندیشه بچه ها تکیه دارد. به همین سبب آموزگاران تا حدود زیادی از وظیفه سنگین و دشوار انتخاب درس ها و تدوین برنامه های درسی آزادند. قوت برنامه های درسی در ژاپن، توجه به موضوعاتی از زندگی روزانه بچه هاست. در مدارس ژاپن، درس های مطالعات اجتماعی و نیز خواندن متون، جذابیت و گیرایی کمتری دارد که این وضعیت در سال های بالاتر و با افزایش سن بچه ها، بیش تر احساس می شود.

شرایط آموزگاران ژاپنی:

آموزگاران ژاپنی، از نظر میزان حقوق و شاخص های دیگر نظیر اعتبار و حیثیت، از سطح بالایی برخوردارند. آن ها در مقایسه با آموزگاران آمریکایی، از نفوذ بیش تری در تدوین خط مشی مدرسه و همکاری وسیع تر همکاران شان در محیط کار بهره مند هستند. خانواده ها نسبت به آموزش و پرورش کشور خود، اهمیت فراوانی قائل هستند و آموزگاران، وجهه ای تقریباً مقدس در بین ایشان دارند.

والدین ژاپنی در مورد کودکان با گذشت تر هستند و برای مقامات مسئول احترام بیشتری قائل هستند. این امر باعث می شود آموزگاران ژاپنی از سوی فرهنگی پشتیبانی شوند که به این گونه رعایت ها توجه فراوانی دارند و این امر باعث می شود از شرایط سهل و بهتری به لحاظ کاری برخوردار شوند.

نتیجه گیری :

بچه های ژاپنی به خوبی تحت مراقبت قرار می گیرند. آموزگاران از موقعیت اجتماعی بالا و حمایت و پشتیبانی لازم برخوردارند. دانش آموزان تحت پوشش یک برنامه عمومی درسی هستند که بر پیشرفت اخلاقی، اجتماعی و معنوی آنها تاکید دارد.

توجه مدارس ژاپنی به پیشرفت اجتماعی و اخلاقی بچه هاست. در جامعه ای که یکدست و همگن خوانده می شوند آموزگاران وقت زیادی را برای کمک به بچه ها ، برای ایجاد وحدت و احساس جمعی در کلاس و مدرسه ، نسبت به یک هدف مشترک و صرف می نمایند.

رمز موفقیت بچه ها در ژاپن در برآوردن نیازهای شخصی بچه ها تعلق خاطر و دلبستگی، دوستی کمک و بالاخره بررسی و تدقیق در دنیای پیرامون آنها می باشد .

فصل نهم۹

جمع بندی : پرسش هایی که برای ما مطرح است

فضای آموزشی ، نیازمند روحیه مهمان نوازی است . به شرط آن که در امر یادگیری آسان گیر نباشد و درمقابل، مسائل دشوار را نیز قابل حل بداند. مواردی که بدون وجود آن ها ، یادگیری پیش نخواهد آمد. نظیر ادعان برکم دانشی و جهل، آزمون فرضیه های قطعی شده، برخورد نقادانه طرفین باتفکر و اندیشه. هر یک از این موارد برای رعایت جانب حقیقت ، امری لازم و ضروری است. اما در جایی که مردم احساس کنند مورد تهدید و بازخواست قرار می گیرند، هیچ یک از این رفتارها، پیش نخواهد آمد . **پارکر**

جی پالمیر

دلمشغولی و تلاش ژاپنی ها برای ارتقای شخصیت و روحیه خود، نزدیک است که به یک مذهب ملی تبدیل شود . **توماس رو هلن**

اصلی ترین عوامل موفقیت در آموزش مقطع ابتدایی در ۷ ویژگی خلاصه شده که به اختصار مطرح می شود:

۱. توجه به همه بچه ها ۲. تاکید بر ارزشها ۳. ایجاد یک جامعه حمایت گر در کلاس ۴. روشهای انضباطی که موجب تعهد شخصی در برابر ضوابط و ارزشها می شود ۵. اداره کلاس و رفع مشکلات با اندیشه کردن و بحث و گفتگو ۶. یادگیری های «مرطوب» و با «روح» ۷. تفکر و اندیشیدن راز توفیق تجاری ژاپنی ها توجه آنها به اهداف بلند مدت و نه سود دهی کوتاه مدت است. در نظام آموزشی ژاپنی ها به نهادی شدن ارزشها و ضوابط در بچه ها بسیار مهم تر از رفع نیازهای فوری ایشان است. یک برنامه تحصیلی علمی خوب، از نظر ژاپنی ها باید برنامه ای باشد که موجب افزایش همکاری در بین دانش آموزان، توجه حقیقی آن ها به علم، تعهد شخصی در برابر صداقت علمی و به علاوه موجب خبرگی ایشان در برداشت های کلی از مقوله علم شود.

فصل دهم ۱۰

بخش ضمیمه؛ ویژگی های مراکز پیش دبستانی ای که مورد مطالعه قرار گرفتند

مقدمه

در فصل ۱۰ خانم کاترین لوئیس نویسنده کتاب مدارس و مراکزی را که در ژاپن مورد مطالعه قرار داده آورده است.

مراکزی که خانم کاترین لوئیس در سال ۱۹۷۹، مورد مطالعه قرار داد ه، همه در مقطع پیش دبستانی بودند که تعدادی از مدارس دولتی و خصوصی در توکیو، و بعضی بخش های دیگر ژاپن را در بر می گرفتند.

درفهرست زیر به پاره ای از ویژگی های این مدارس، به اختصار، اشاره شده است.

۱. مدرسه پیش دبستانی وابسته به دانشگاه ملی: وابسته به دانشگاه معتبر و معروف توکیو؛ با ۱۷۱ دانش آموز از طبقه متوسط جامعه

۲. مدرسه پیش دبستانی غربی توکیو: از نوع ملی؛ واقع در حومه توکیو با ۱۵۹ دانش آموز؛ وابسته به جامعه مسیحیان؛ دارای برنامه های غیر درسی در هنر، زبان انگلیسی و ژیمناستیک با ۲۰۰ دانش آموز

۳. مدرسه پیش دبستانی شگرد: تحت پوشش کاتولیک ها؛ واقع در حومه توکیو با ترکیبی از طبقه متوسط جامعه؛ با ۸۱ دانش آموز

۴. مدرسه پیش دبستانی خصوصی: وابسته به دانشگاه معتبر و خصوصی زنان در توکیو؛ با ۲۵۰ دانش آموز

۵. مدرسه پیش دبستانی در بخش مرکزی شهر: واقع در مرکز هونشو؛ در اندازه متوسط و با ۱۷۶ دانش آموز
۶. مدرسه پیش دبستانی غربی دولتی: وابسته به دانشگاه دولتی؛ در غرب هونشو با ۱۶۰ دانش آموز

فصل یازدهم ۱۱

اولی ها را باور کنیم

...ما دوست داریم همه چیز را از اول داشته باشیم. از اول استوار کنیم. لذا کارها را از اول پی می ریزیم. همه چیز را از اول بنا می گذاریم. اما برای اول هرگز چنین نمی کنیم. برای کلاس اول هرگز...!

خیال، خوش کرده ایم که کودک مان را به دبستان روانه کرده ایم و قصیده ای بلند و زیبای تعلیم و تربیت را خوش سروده ایم....

همه ما امروز در قبال کلاس اولی ها مسئول هستیم. پدران و مادران، آموزگاران، متخصصین تغذیه و بهداشت، پزشکان، نویسندگان، هنرمندان، مسئولین و ... چرا که آبادانی امروز آبادانی فرداهاست.

امروز باید سنگ بنا محکم گذاشته شود. با وسواس و احتیاط گذاشته شود. امروز باید رنج پایدار باشد تا فردا گنج ما حاصل آید.

ادب و اخلاق، عشق و ایمان، نظم و انضباط، هنر و حس برتر، احساس و ایثار و گذشت را امروز باید بنا نهاد و شکل داد. اگر خرابی در انتهای راه هویداست؛ کار در ابتدای راه، بی اساس و نابجاست. امروز، رمز پیروزی اولین گام در اولین کلام است.

امروز وظیفه «اول» بر عهده پدران و مادران است و وظیفه ی ثانی بر دوش آموزگاران متعهد و عاقبت اندیش....

وظیفه اول

پدران و مادران باید کودکان شان را بشناسند. کودکان دنیای کودکانه دارند. فکر آن ها پوششی از صداقت دارد. قلب شان را حریری از مهر در بر گرفته است. کودکان آینه اند. هر روز چیز های نو و قشنگی از آن ها بروز می کند. حرف آخرشان را اول می زنند. درون روشن شان همه تیرگی ها را پس می زند و به تبعید می فرستد. ضمیر کودکان نیازمند بذر است نادیده گرفتن و بهره بردا ری نکردن از

وسعت بی انتهای مزرعه وجود آن ها ظلم است. کفران نعمت و رحمت است. حق آن هاست که بدانند ، باید بیاموزند ،روح شان با گردش و سیر و سفر به شوق آید و زنده باشند.تا زنده گردانند. کودک گوهری است در صدف .گوهری که دلش دریاست و دریاها را می نمایاند.چشم بگشاییم و اندیشه کنیم تا شاهد لگد مال شدن گلها ی باغچه نباشید و سبزی را به زردی نکشیم.

وظیفه ی ثانی

وظیفه ی دوم متوجه معلمین کلاس اول است.روزی که معلم پایه اول ،حرف اول رامی زند. درحرف اول، جهانی معنا نهفته است.

معلم کلاس اول باید از خصوصیات ویژه ای برخوردار باشد: زیرا که رسالتی «کلیدی» بر دوش دارد .او می خواهد الفبای راه را بیاموزد پس باید خود الگو و اسوه باشد .

معلمی شغل نیست . انتخاب است و معلمی کلاس اول انتخابی در انتخاب است .هر کس اجازه ندارد خود را معلم این پایه بداند .کودکی که امروز به رسم شاگرد به دست معلم سپرده می شود ،امانتی است الهی که همه هدف و مقصد و مقصود ، اوست .معلم کلاس اول رکن حیات بخش و سلسله جنبان رشته علم و معرفت است .

فصل دوازدهم ۱۲

در فصل ۱۲ منابع به کار گرفته شده در کتاب ذکر شده است .